

سلام افضل



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)  
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی  
پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد  
گروه زبان و ادبیات فارسی

# فرهنگ تطوّر واژگان در مثنوی

استاد راهنما: دکتر کامران کسائی

استاد مشاور: دکتر سیداسماعیل قافله‌باشی

نگارش: زینب حاجی‌باباپور

زمستان ۱۳۸۹

بسمه تعالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)  
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی  
(فرم شماره ۲۶)

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب سید علی باباوردان دانشجوی رشته ادبیات فارسی مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با عنوان فرهنگ تطبیقی و تطبیقی در ادبیات فارسی را تأیید کرده، اعلام می نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین المللی، نبوده و تعهد می نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو سید علی باباوردان

امضاء و تاریخ

۱۳۹۱/۱۱/۲



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)  
 معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه / رساله

بدین وسیله گواهی میشود. جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد/ دکتری ..... در تاریخ ..... در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۳ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه با نمره ..... و درجه ..... مورد تأیید هیئت داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبهی دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
۱	استاد راهنما	کاروان ک...	استاد	دانشگاه امام خمینی	
۲	استاد مشاور	سید اسماعیل هفتباجی	"	"	
۳	داور خارج	محمد ضایع	استاد	"	
۴	داور داخل	رضا سمیع زاده	استاد	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
۵	نماینده تحصیلات تکمیلی	بهرام نازنی	"	"	

تقدیم به مادر دلسوز و فداکارم

و

برادر عزیزم

که در تمامی سال‌های تحصیلی یاورم بودند

و

تقدیم به استاد راهنمایم که تقدیرم

که با تشویق و همکاری ایشان این پژوهش به انجام رسید.

## چکیده

زبان مولانا، زبان مردم است که بیشتر با اصطلاحات عوام سر و کار داشته است و عقاید و افکار عامه نیز در آثارش فراوان دیده می‌شود. از عوامل مهمی که به مثنوی ارزش ویژه ای بخشیده است و از لوازم ارتباط بین طرز بیان مثنوی با شیوه بلاغت منبری او می‌باشد؛ فرهنگ و لغت عامیانه از یک طرف و معانی عالمانه از طرف دیگر است. بیان قصه‌ها و تمثیلات و درج مثلها و خطابه‌ها که مثنوی مجموعه ای از این مواد است، ذخیره فرهنگ عامیانه مولانا را تشکیل داده است. و ترکیب این اجزا تعادلی هنرمندانه و زیبا در مثنوی ایجاد کرده که سبب دور کردن معانی آن از پیچیدگی و بیان از سستی و ابتذال شده است. هدف ما در این پایان نامه رسیدن به این نقطه مطلوب است که به کار بردن این عناصر و هنجارگریزی عصر مولوی چگونه سبب تبدیل مثنوی به شاهکار شده است. این پایان نامه شامل یک مقدمه و متن اصلی فرهنگ واژگان و در پایان نتیجه گیری و تحلیل است.

**کلید واژه ها:** تطوّر، حذف، افزایش، ابدال، مثنوی.

## سپاسنامه

از دست و زبان که برآید  
کز عهده شکرش بدر آید  
مَنْتِ خدایِ را، عزوجلّ، که طاعتش موجبِ قربت است و به شکرِ اندرش مزیدِ نعمت . هر نفسی که  
فرو می‌رود، مُمِدّ حیات است و چون بر می‌آید مُفَرِّحِ ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و  
بر هر نعمتی شکری واجب... .

و اما بعد از سپاس معبود لایزال بر خود واجب می‌دانم از زحمات تمام استادان گروه که در این  
سالها پشتوانه و کمکم بوده اند، قدر دانی کنم؛ به ویژه از زحمات و تلاشهای بی دریغ استاد گرانقدر و  
بزرگوار دکتر کامران کسایی که گاه و بیگاه به ایشان مراجعه کرده ام و ایشان با روی باز و مهربانی  
پذیرای سؤالات و مشکلات بنده در این پژوهش بوده اند. همچنین استاد عزیزم دکتر سید اسماعیل  
قافله باشی که مشکلات بنده را با دلسوزی و مهربانی پذیرا بودند. و همینطور از دو استاد عزیزم که  
یادشان همیشه پا برجاست؛ استاد محمد حسین محمدی و استاد سلطان حمید سلطان نهایت تقدیر و  
تشکر را دارم. و از دکتر قاسم انصاری نیز به پاس دلجوییها و نصیحتهای پدرانۀ ایشان سپاسگزارم.

و در پایان از زحمات مادر عزیزم و برادرانم محمد و حسین حاجی بابا پور که یاریگر بنده در تمام  
سالهای تحصیل بوده اند و از کمک تمامی عزیزان و دوستانی که در این پایان نامه مرا همراهی و  
کمک کرده اند صمیمانه سپاسگزارم.

امیدوارم این اثر ناچیز در خاطر دوستان مقبول افتد و با توجه به گستردگی کار، وقت محدود و  
اولین تجربه بنده در این حجم، کمبودهای آن را با دیده اغماض بنگرند و راهنماییهای خود را از  
نگارنده دریغ نفرمایند.

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن

مُصلِحی تو ای تو سلطان سخن

## پیشگفتار

زبان فارسی؛ زبان عشق، عرفان و شعر است و آثار جاودانه ای از استادان و شاعران برجسته پرداخته شده است که سبب نمود یافتن آن در عرصه‌های گوناگون است. در مناطق مختلف جغرافیایی ایران زبان فارسی با گویشها و تلفظ‌های خاص خود کاربرد داشته است. از آن جمله است خراسان بزرگ و ادب پرور که شاعران و ادیبان فراوانی از آن خطّه بر خاسته اند و در زمینه‌های گوناگون اخلاقی، عرفانی، غنائی و طبیعت‌گرایی سخن رانده اند و به سرودن شعر و نظم و نوشتن نثرهای زیبا و در خور پرداخته اند. از جمله این شاعران که در خراسان ظهور کرده است و به جرأت می‌توان گفت که آثار نظم و نثر او از هم‌معهدان و معاصرانش برتر و سنجیده تر از کار در آمده است، جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولانا است؛ به گونه ای که مثنوی او با توجه به ارزش والای عرفانی، اخلاقی و تعلیمی اش «قرآن عجم» نام گرفته است.

زبانی که مولانا در آثارش بخصوص در مثنوی به کار برده است هر چند از حیث خصایص سبکی و زبانی، زبان کهن خراسان بوده است که بسیاری از مردم و ادیبان آن زمان هنوز در سرزمین خود، خراسان آن را فراموش نکرده بودند و به آن تکلم می‌کردند؛ ولی این کهنگی زبان و علت به کار بردن آن از سوی مولانا با توجه به همزمانی با سبک عراقی که الزامی برای به خدمت گرفتن آن خصایص کهن نبوده است، نه تنها سبب دیر فهمی و پیچیدگی آثارش نشده؛ بلکه استقبال گسترده‌ی عالمان و ادیبان و حتی مردم عادی را نیز در پی داشته است.

در حقیقت شاید بتوان گفت که یکی از علل به کار بردن این خصائص و الفاظ عامیانه و مختصات کهن سبک خراسانی در مثنوی این بوده است که مولانا به این وسیله خواسته است نظر عامه مردم را به این اثر جلب کند و همین عامل سبب شده است که مثنوی در زمینه‌های مختلف به عنوان ره توشه ای برای آنان باشد؛ ره توشه ای که در قالب داستانها و حکایت‌های متعدد جلوه‌گری می‌کند.

باید به این نکته مهم توجه کرد که یکی از ویژگی‌هایی که آثار بزرگ زبان فارسی را جاودانه و ارزشمند کرده است، همین همگانی بودن و توجه عامه مردم به این آثار است که این مورد در مثنوی نیز راه یافته و باعث شده است مولانا در شمار چهار شاعر بزرگ و جهانی زبان فارسی قرار گیرد.

در این پایان‌نامه این موضوع بررسی می‌شود که رویکردهای زبانی مولوی در مثنوی چگونه است؟ و با این فرض که یکی از ویژگی‌های شاهکارهای ادبی برخوردار از آنها از زبان عامیانه و مردمی است، مولوی چگونه به این مسأله توجه کرده است؟

اما آنچه سبب پرداختن به این موضوع از سوی بنده حقیر شد؛ در آغاز علاقه و ارادت به مولانا و به تبع آن آثار عرفانی و معنوی او بویژه مثنوی است و در مرحله بعد سؤالاتی بوده است که در ذهن نگارنده در مورد مختصات زبانی آثار مولوی و شیوه به کارگیری کلمات کهن از سوی او به فکر بنده خطور می‌کرده است. بنابراین با توجه به این موارد و مشورت و همفکری با استادان گرامی به این نتیجه رسیدیم که در مورد «تطور واژگان در مثنوی» به تحقیق بپردازیم؛ هر چند که در آغاز این پژوهش با عنوان «فرهنگ لغات عامیانه در مثنوی» در گروه مطرح شد و شیوه کار تا اندازه ای با



متنی که هم اکنون آماده شده است متفاوت بود که با تصمیم استادان عزیز به این شیوه تغییر شکل پیدا کرد.

### پرسشهای اصلی این پژوهش بر این اساس است:

- ۱- جایگاه زبان در مثنوی چگونه است؟
- ۲- دیدگاه مولوی نسبت به مسائل زبانی و گرایش او به کاربرد واژه‌های عامیانه و کهن چیست؟
- ۳- اصولاً زبان به عنوان اصلی‌ترین وسیله بیان تا چه اندازه مورد توجه او بوده است؟
- ۴- تفاوت مثنوی با دیگر آثار یا شاهکارهای ادبی ایران از نظر رویکردهای زبانی چیست؟

### روش تحقیق و مراحل آن:

در آغاز شش دفتر مثنوی به شکل جداگانه و بیت به بیت با دقت خوانده شد و هر گونه کاربرد عامیانه و کهن بر مبنای آنچه استادان راهنما و مشاور تعیین کرده اند، یادداشت و فیش برداری شد و در پایان به ترتیب حروف الفبا، با ذکر شاهد و بیتی که آن واژه در آن به کار رفته است تنظیم و پاکنویس شد. همچنین با توجه به موضوع پایان نامه که به زبانشناسی مربوط می‌شود به کتابهایی در این زمینه مراجعه و مقدمه‌ای در حیطه این موضوع تهیه کردم که در این مورد سه منبع اصلی که بیشتر از آنها استفاده کرده ام به این ترتیب است:

۱) تاریخ زبان فارسی، جلد ۲، پرویز ناتل خانلری.

۲) سبک‌شناسی، جلد ۲، محمد تقی بهار.

۳) فرهنگ اصطلاحات زبانشناسی (توصیفی-تحلیلی)، جلیل ساغروانیان.

در پایان نیز تحلیلی مختصر با مراجعه به کتابهای مربوط به این مسائل و مقاله‌ها و سایتهای گوناگون آورده شد؛ که سعی شده است مباحث تا حد امکان کوتاه باشد و از ذکر مسائل جانبی خودداری شده است.

\* برای معانی واژگان فارسی و عربی نیز به کتابهای «فرهنگ دهخدا» و «فرهنگ معین» و «المُنجد» مراجعه شد.

نگارنده در بررسی تطورات واژگان در مثنوی از متن مصحح زیر استفاده کرده ام و تمام ارجاعاتم به این نسخه است:

مثنوی مولانا، به اهتمام رینولد آلین نیکلسون، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۳.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
۱	مقدمه
۲	تاریخچه مختصر زبان‌شناسی
۳	نظریه‌های مختلف زبان‌شناسی
۴	زبان فارسی و مراحل تکامل آن
۷	بحث تطوّر واژگان
۹	علل تغییرات زبانی
۹	توضیح چند اصطلاح
۱۲	انواع تحول
۱۳	نتیجه‌گیری
۱۴	تعریف برخی واژه‌ها
۲۳	تحول رسم‌الخط فارسی
۲۵	بحث تطوّر در مثنوی
۲۷	فهرست منابع مقدمه
۲۸	فرهنگ واژگان
۱۲۷	تحلیل و نتیجه‌گیری
۱۲۹	مختصات سبک عراقی
۱۳۰	علل تطوّرات آوایی و واجی در مثنوی
۱۳۵	نتیجه‌گیری
۱۳۶	فهرست کامل منابع و مآخذ
	چکیده لاتین
	عنوان لاتین

## فهرست علایم و اختصارات

حروف فونتیکی مصوتها و صامتها :

**ā=آ**

**a=ا**

**e=اِ**

**o=اُ**

**oo=او**

**i=ای**

**' =ء**

**b=ب**

**p=پ**

**t=ت**

**th=ث**

**j=ج**

**ch=چ**

**h=ح**

**kh=خ**

**d=د**

**dh=ذ**

**r=ر**

z=ز

zh=ژ

s=س

sh=ش

s=ص

z=ض

t=ط

z=ظ

'=ع

gh=غ

f=ف

q=ق

k=ك

g=گ

l=ل

m=م

n=ن

v=و

h=ه

y=ی

## علائم اختصاری (سرواژه ها):

اب=ابدال

اد=ادغام

آف=افزایش

ح=حذف

ق=قلب

رک=رجوع کنید به

نمایه (/) =واژه‌های سمت راست این نشانه، واژگان تطوّر یافتهٔ مثنوی و سمت چپ گونهٔ امروزی آنهاست.

نمایه (: ) =نشانهٔ هم معنی بودن است.

\*عدد سمت راست نشانهٔ شمارهٔ دفتر و عدد سمت چپ شمارهٔ بیت است .

# مقدمه

## تاریخچه مختصر زبان‌شناسی:

قدیمی‌ترین مطالعاتی که در زمینه زبان صورت گرفته است، نوشته‌ای از افلاطون به زبان یونانی به نام کراتیلوس (Cratylus) است که به بحث درباره زبان پرداخته است. او در این کتاب به مسأله «طبیعی» یا «قراردادی» بودن زبان اشاره می‌کند.

درباره این سؤال که زبان به طبیعت باز می‌گردد یا امری قراردادی است، همواره میان دانشمندان آن دوره بحث و جدال بوده است. مکالمه کراتیلوس دربرگیرنده این نظر است که میان هر پدیده و نام آن رابطه‌ای طبیعی و ضروری وجود دارد و فلاسفه «طبیعت‌گرا» (Naturalist) معتقد بودند که تشخیص این رابطه به عهده فیلسوفی است که قادر به شناسایی حقیقت از ظاهر پدیده‌ها باشد. به اعتقاد افلاطون، حقایق همیشگی و تغییرناپذیرند که در دنیای «مَثُل» باشند. بر مبنای این اعتقاد، دانشمندان مطالعاتی را انجام دادند که به «ریشه‌شناسی» (Ethymology) معروف شد.

افلاطون در رساله سوفسطایی خود «اسم» و «فعل» را مشخص کرد و شاگرد او ارسطو نیز مقوله «حرف» را به این دو افزود. ارسطو در رساله «اندر عبارت» مخالفت خود را با طبیعی بودن زبان بیان کرد. او با استاد خود در باب طبیعت و منشأ زبان اختلاف نظر داشت و زبان را یک امر قراردادی می‌دانست. اختلاف میان طبیعی‌گرایان و قراردادی‌گرایان زبان انسانی، مطالعات این زمینه را در مسیر یافتن میزان وجود «قاعده» در زبان قرار داد. گروهی که معتقد به نوعی آراستگی و قاعده در زبان بودند «قیاسیون» (Analogists) نامیده شدند و در مقابل آنان گروهی نیز بودند که قاعده را انکار می‌کردند و اعتقاد به نظم و آراستگی زبان نداشتند. این گروه «بی‌قاعده‌گرایان» (Anomalists) نامیده شدند.

در فاصله میان سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۰ زبان‌شناسان جوانی بودند که راه تازه‌ای را در ارائه فرهنگ‌های ریشه‌شناسی به وجود آوردند. از جمله این افراد می‌توان آگوست لسکین (Leskin)، کارل ورنر (Verner)، کارل بروگمان (Brugmann) و برتولد دلبروک (Delberuk) را نام برد. این دانشمندان به یک رشته قوانین آوایی حاکم بر تغییرات تدریجی زبان معتقد بودند و با توجه به همین قوانین آوایی مسائل باقی مانده در مسیر ارائه «شجره خانواده زبانها» حل شد.

فردینان دو سوسور (De susur)، دانشمند مشهور فرانسوی نیز اصولی را در علم زبان‌شناسی قرار داد که دیگران از آن پیروی کردند و از جمله آنها تقسیم علم زبان‌شناسی به دو شاخه ایستایی یا راکد (Statique) و تحوولی (Evolutive) بود. موضوع شاخه اول مطالعه و تحقیق یک زبان در زمان معین و کشف قواعد آن بدون توجه به صورت قدیم و وضع آینده آن است و حال آنکه موضوع شاخه دوم رجوع به صورتهای قدیم یک زبان و چگونگی تحولات آن در هر دوره، و مقایسه آنها با وضع حاضر و کشف علتها و قوانین تحول آن از صورتهای گذشته به صورت کنونی است.

از مردان بزرگ دیگری که راه تازه ای در زبانشناسی باز کرد و قوانین مهمی بنیان گذاشت، «موريس گرامون» (Gramun) دانشمند فرانسوی است که رساله «قانون تباین حروف در زبانهای هند واروپایی و زبانهای رومیایی» را در سال ۱۸۹۵ منتشر کرد. او در این کتاب قوانین مهمی در زمینه تحول زبانهای مورد مطالعه اش کشف کرده و آنها را بیان می‌کند؛ و با این روش اثبات کرد که تمام زبانها شامل قانون تحول زبانی می‌شوند و قوانین حاکم بر هر زبان با دیگر زبانها متفاوت است. گرامون بنیانگذار رشته تازه ای در زبانشناسی نیز می‌باشد که «زبانشناسی هنری» نامیده می‌شود. کتاب مهم دیگر او که در بردارنده مطالعات و نظریاتش درباره شناخت حروف و قوانین تحول آنهاست با نام «بحث علم حروف» (Traite de phonetique) در سال ۱۹۳۳ انتشار یافت.

رشته مهم دیگری که در علم زبانشناسی ایجاد شده است، «حرف شناسی تجربی و آزمایشگاهی» (Phonetique experimentale) است. پایه گذار آن دانشمندی فرانسوی به نام روسلو (Rouselot) بود که اولین آزمایشگاه علم حروف را در «کلژ دو فرانس» (College de France) پاریس تأسیس کرد. در این آزمایشگاه به کمک ابزارهای دقیقی که اختراع شد، چگونگی تلفظ حروف و لرشهای حاصل از آنها به ثبت رسید و مانند یکی از رشته‌های علم فیزیک مورد مطالعه و دقت قرار گرفت. نتیجه مطالعات روسلو در کتابی مفصل به نام «اصول حرف شناسی تجربی» (Principes de phonetique experimental) در سال ۱۹۲۴ منتشر شد.

### تعریف زبانشناسی

زبانشناسی مطالعه علمی زبان است و منظور از مطالعه علمی زبان، بررسی آن بر اساس نظریه ای همگانی است؛ به گونه ای که بتوان درستی پژوهش را از طریق تجربی به محک آزمایش گذاشت. همچنین این علم به بررسی زبان مادری نیز می‌پردازد. اما در مرحله اول به زبان در مفهوم عام آن می‌نگرد. یعنی از یکسو همه زبانها و از سوی دیگر آن خصوصیت انسان که او را از جانداران دیگر متمایز می‌کند، بررسی می‌شود.

### نظریه‌های مختلف زبانشناسی<sup>۱</sup>

در مورد زبانشناسی چهار مرحله مختلف وجود دارد که به اختصار به این ترتیب است:

۱. **نظریه طبیعت‌گرایان (Naturalists theory):** این گروه معتقد بودند به طور طبیعی برای هر شیء نام مناسب و معنا داری وجود دارد. یکی از دلایل آنان برای این امر این بود که برخی ازواژه‌ها «نام آواها» (Onomatopoeia) هستند. مانند Cuckoo، و اینکه بسیاری از واژه‌ها رابطه ای طبیعی با معنای خود دارند. مثلاً واژه‌هایی که بر حرکت دلالت دارند بیشتر در بردارنده آوای (r) هستند که فراگویی آنها بر حرکت دلالت دارد.

<sup>۱</sup> در توضیح این مطالب از کتابهای «نگاهی به پیشینه زبان فارسی»، کورش صفوی، ۱۳۶۷، ص ۱۴ و ۱۵ و «فرهنگ اصطلاحات زبانشناسی» جلیل ساغروانیان، ۱۳۶۹، ص ۲۷۳ استفاده کرده ام.



۲. **نظریه قراردادی گرایان (Conventionalists theory):** این گروه نظریه بالا را به سخره گرفته و عقیده داشتند نامهای اشیاء صرفاً قراردادی هستند و رابطه ای منطقی میان اشیاء و نامهایشان وجود ندارد این عقیده امروزه نیز مورد قبول زبانشناسان است.

۳. **نظریه شجره خانوادگی (Family tree theory):** این نظریه در قرن نوزدهم و از سوی زبانشناسی آلمانی به نام آگوست شلیشر (shelisher) مطرح شد. نام دیگر این نظریه «درخت خویشاوندی» است. این زبانشناس بر اساس مدل درخت خویشاوندی، شباهتی میان برخی زبانهای شناخته شده هند و اروپایی به دست آورد و نتیجه گرفت که این شباهتها معلول رابطه تاریخی این زبانهاست که از یک زبان مادری گرفته شده اند. بر اساس این دیدگاه می توان گفت که زبان فارسی شاخه ای از زبان هند و اروپایی است.

۴. **نظریه موجی (Wave theory):** این نظریه را یوهانس اشمیت (eshmitt) در قرن نوزدهم مطرح کرد. بر اساس این نظریه، دگرگونیهای زبان به صورت ناگهانی رخ نمی دهد بلکه به واسطه بدعتها و نوآوریها در محدوده جغرافیایی معین ایجاد شده اند و در یک روند طولانی مدت بتدریج به صورت امواج در ابعاد جغرافیایی گسترده می شوند. به عبارت دیگر زبانها همانند امواج از یک منبع مرکزی منتشر شده اند.

## زبان فارسی و مراحل تکامل آن<sup>۲</sup>

سه هزار سال پیش از میلاد مسیح، قومی می زیسته اند که زبانی خاص برای تکلم داشتند. زبانشناسان از قرن نوزدهم، زبان آن قوم را هند و اروپایی نامیدند. بعدها گروههایی از این قوم پراکنده شدند و در اطراف جهان اقامت گزیدند. زبان هر گروه با برگزیدن مسکن تازه به طور مستقل تکامل یافته و دچار تغییراتی شد که آن را از زبان اصلی و اولیه دور کرد. بنابراین از زبان اصلی که مادر زبانهای همه این گروهها بود فرزندان منشعب شد که با وجود شباهت های بسیار میان آنها، بکلی یکسان نبوده و تفاوت هایی میانشان وجود داشت. از جمله این گروهها که از منشأ هند و اروپایی به وجود آمد، شعبه هند و ایرانی یا «آریایی» است.

قوم هند و ایرانی نیز به دو شعبه ایرانی و هندی تجزیه شد و زبان این دو نیز تفاوت های بسیاری با هم یافت. با این حال شباهت های این دو زبان تا حدی هست که بتوان وحدت اصل آنها را اثبات کرد. زبان فارسی هم که در طول زمان دچار تغییراتی شده و همچنان این تغییرات ادامه دارد، در واقع دگرگون شده این زبانها است:

<sup>۲</sup> در نگارش این موضوع از کتابهای «زبانشناسی و زبان فارسی» و «دستور تاریخی زبان فارسی» دکتر خانلری استفاده کرده ام.

۱. **فارسی باستان**: فرمانهای شاهان هخامنشی به این زبان نوشته می‌شد. از آنجا که اصل این زبان از استان فارس نشأت گرفته است، آن را «فارسی باستان» نام نهاده اند و این یکی از چهار لهجه دوره باستان است که با زبان «مادی»، «سکایی» و «اوستایی» ارتباط بسیار نزدیک داشته است. ساختمان دستوری این زبان با فارسی امروز تفاوت آشکاری دارد، ولی برخی از عناصر صرفی آن هنوز شباهت ساختاری و معنایی خود را با عناصر صرفی زبان فارسی حفظ کرده است. برای نمونه:

اُورَمزدا (در حالت فاعلی): اهورا مزدا

اَتَرَسَ (ماضی استمراری فعل معلوم): ترسید

۲. **فارسی میانه**: که دنباله مستقیم فارسی باستان است و خاستگاه آن هم استان فارس بوده است. آثار مهمی در قرن سوم و چهارم هجری قمری، به این زبان نوشته شده است که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

۱- بُندَه‌هشن هندی ۲- بُندَه‌هشن ایرانی ۳- شایست وناشایست ۴- ماتیکان یوشت فریان

۵- کارنامه اردشیر بابکان ۶- درخت آسوریک

۳. **فارسی دری**: این زبان از قرن سوم هجری تنها زبان رسمی، اداری و ادبی ایران بوده و اکنون نیز می‌باشد و ارتباط و وحدت بخشهای مختلف کشور ما با این زبان برقرار شده است. مورخان اسلامی زبان دری را از زبان‌های ایرانی معمول در دوره ساسانی دانسته اند. در مورد منشأ و نوع نامگذاری آن گفته شده است که دری زبان مدائن است که درباریان شاه با آن گفتگو می‌کردند و لفظ آن منسوب است به «در» به معنای دربار. اصل این زبان از شمال شرق ایران - خراسان قدیم - آمده است و دلیل آن این است که بعد از به وجود آمدن نخستین سلسله‌های مستقل ایرانی پس از اسلام در خراسان، شاعران و نویسندگان در دربار آنها از این زبان در آثار خود بهره بردند. این زبان در واقع همین زبان رسمی و ادبی ایران است که از قرن سوم تا زمان کنونی با کمی تغییرات به کار می‌رود. آثار به جا مانده از فارسی دری، به جز عبارتها و کلمات کوتاه و برخی مصراعها و بیتها که در تواریخ عربی و آثار فارسی دوره‌های بعد ثبت شده است همه از قرن چهارم به جا مانده اند.

نهضتی که در زمان ساسانیان به منظور گسترش و به کاربردن زبان فارسی به جای زبان تازی شکل گرفت، با سرعت زیادی پیش رفت، تا آنجا که در روزگار غزنویان، فارسی دری زبان ادبی ایران شد و در زمان سلجوقیان هم به جای زبان عربی در امور اداری و مکاتبات دیوانی مورد استفاده قرار گرفت.

فارسی دری به جهت تطوّر و تکاملی که در طول هزار سال در آن صورت گرفته است، به سه دوره

مهم تقسیم می‌شود:

**دورهٔ رشد و تکوین:** قدیمیترین آثار به جا مانده از فارسی دری پس از اسلام تا اوایل قرن هفتم، مربوط به دورهٔ تکوین و شکل گیری این زبان است. از خصوصیات واژگانی این زبان در این دوره این است که؛ هنوز چگونگی تلفظ واکها در هر کلمه ثابت نیست. نویسندگان و کاتبان هر کلمه را به شکلی که با تلفظ محلی ایشان سازگار بوده است ثبت کرده اند. به عنوان نمونه این کلمات در متنهای دورهٔ مورد نظر به دو یا چند شکل آمده است:

دیوال / دیوار	دانشومند / دانشمند	اوگندن / افکندن
یاوی / یابی	وا / فا / با	خوابیدن / خوابانیدن

**دورهٔ فارسی دری:** در این دوره به دلیل یورش مغولان و تاخت و تاز وحشیانه آنان، خراسان که محل رشد و نشو و نمای زبان و ادبیات فارسی بود ویران شد و تا پایان دورهٔ ایلخانان، دیگر این سرزمین مرکزیت و اهمیت خود را از جهت نظم آثار ادبی به دست نیاورد. نویسندگان و شاعرانی که زاده یا پرورش یافتهٔ این سرزمین بودند، در صورت جان به در بردن از حملات مغول، به جنوب و مغرب ایران پناهنده شدند. در این زمان زبانی که شاعران و نویسندگان در آثار خود به کار می بردند - یعنی فارسی دری - با زبانی که به وسیلهٔ آن گفتگو می کردند، تفاوت داشت و در گفتگوها بیشتر به زبان محلی خود سخن می گفتند. در این دوره، واکها، یعنی اصوات ملفوظ، صورت واحدی پیدا کرده است و دیگر در آثار نویسندگان، یک کلمه به شکلهای گوناگون یافت نمی شود؛ بلکه یک صورت بر دیگر صورتهای غالب شده است و تلفظ فصیح به شمار می رود. مثلاً از میان صورتهای: دیوال، دیفال، دیفار و دیوار، تنها صورت «دیوار» فصیح است و دیگر شکلهای آن اگرچه در گویشهای محلی وجود داشته باشد اما در ادبیات راه ندارد.

**دورهٔ تحوّل و تجدّد:** پس از نابسامانیهای به وجود آمده از زمان انقراض دولت صفویه تا استقرار دولت قاجار، دولتی مرکزی و واحد در ایران به وجود آمد که با وجود سرکشیها و انقلابهای داخلی و جنگهای خارجی، این دولت استقلال و حاکمیت خود را حفظ کرد. اما رفته رفته عواملی همچون آشنایی و برقراری روابط با اعراب، تحوّل بزرگ در شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرد که به طور کامل در زبان اداری و ادبی کشور تأثیر گذاشت. در این زمان به دلیل مرکزیت یافتن کشور، اهل قلم و دانشمندان برای به دست آوردن مقام و سمتهای دیوانی و کشوری به پایتخت آمدند و به این ترتیب تهران محل اجتماع برگزیدگان و با سوادانی شد که از اطراف ایران آمده و هر یک مشغول فعالیت های دولتی بودند.

زبان گفتار مردم بومی تهران در این زمان یکی از گویشهای محلی بود که در دهکده ها و آبادیهای شمیران باقی مانده بود. زبان مورد استفاده مستوفیان و دیوانیان هر چند که گویشهای محلی در چگونگی تلفظ و کاربرد لغات آن بی تأثیر نبوده است، اما به زبان رسمی و ادبی بسیار نزدیک بود. این زبان دولتی و رسمی در اصطلاح «لفظ قلم» نام گرفت.

## بحث تطوّر واژگان

**تطوّر؛** مصدر باب تفعّل و از ریشه «طور» به معنی گونه گونه و حال به حال شدن است. این لفظ در کتب معتبر لغت عربی وجود ندارد، اما در عربی جدید و نیز در فارسی به کار برده شده است. **تطوّر؛** در اصطلاح زبانشناسی، تحوّل و دگرگونی واجها (همخوان یا واکه) در کلمات است. همانطور که همه چیز در طبیعت دچار دگرگونی و تحوّل می‌شود، لغات و زبانها هم از این قاعده مستثنی نیستند. در باب واژه تطوّر در کتاب سبک شناسی چنین آمده است: «تطوّر در لغات یعنی مردن صورتی از لغت که خودنتوانسته است باقی بماند، یا نتوانسته اند او را نگاه بدارند و مناسبت او با محیط از میان رفته است و از لاشه او صورتی دیگر یعنی لغت دیگر پیدا شده است» (بهار، ۱۳۴۹، ص ۱۸۰) به طور مثال لغت شاه که از قدیمیترین لغات فارسی است، در کتیبه بیستون به شکل «خشِیْثیه» بوده است. طبیعت حروف خشن «خش» و «ث» را از این کلمه کاسته و به شکلی که اکنون به کار می‌بریم در آورده است. و یا کلمه «اهریمن» که از گذشته مراحل زیر را گذرانده است تا به شکل کنونی در آمده است:

۱- آنهَره مینو ۲- آنهَر من ۳- آهَرمن ۴- آهَرمن

می توان گفت لغاتی که از آنها حمایت نشود به یقین نابود خواهد شد؛ به این شکل که ممکن است مفهوم آنها مورد نیاز عمومی نباشد و خود واژه در دسترس نباشد، یا به سبب رخدادی سیاسی یا دینی، از میان رفته یا کلمه دیگری جای آن را گرفته باشد و یا لغتی رساتر و زیباتر از لهجه دیگری به جای آن آمده باشد و نیز ممکن است که لغتی به سبب ابتذال به خودی خود از بین رفتنی باشد. به طور مثال لغاتی مانند «بساوشن»، «گوشن»، «همیمال»، «فادوسپان» و «شترپاؤن» با وجود اینکه مورد توجه و استفاده گوینده فارسی زبان بوده است و هم اکنون نیز وجود دارد، به جای آنها لغات زیباتری مانند: لمس، قول، خصم، والی و امیر مورد استفاده قرار گرفته و آنها از میان رفته اند. از سوی دیگر لغت «نماز» که کلمه ای فارسی است به سبب زیبایی و آسانی تلفظ آن نسبت به لغت عربی «الصلوة»، همچنان به حال خود باقی مانده است. همچنین واژه «روزه» که لغت متروک فارسی و برگرفته از لغات ترسایان و جهودان ایرانی بود، در برابر لغت عربی «صوم» باقی مانده و متروک نشده است.

به گفته آلن ری: «همین واقعیت که زبان ما متحوّل می‌شود، خود عنصری مثبت است. اگر از تحوّل زبان خودداری کنیم در واقع مانند زبان لاتین که مومیایی شده است، به پیشواز انقراض زبان رفته ایم. در این صورت زبان فرانسه از نظر فرهنگی زبانی مرده خواهد شد. در خطر بودن یک زبان نشان زنده بودن آن است.» (گفتگو با آلن ری زبانشناس، ۱۳۸۷، ص ۲)

می توان گفت که بروز تغییر در واژگان، تلفظ، دستور، معنا و تا حدودی بروز تغییر در خطّ، واقعیتی ثابت و اجتناب ناپذیر است. زبان از زمان پیدایش خود در حال دگرگونی بوده و این دگرگونی همچنان ادامه دارد و بی شک این تحولات زبانی تا هنگامی که انسان وجود دارد، ادامه خواهد